**ای قاصدک ، ای گل پریشان چمن( اردیبهشت 1396)**

**این شعر ازمحمود صانعی پور بمناسبت تهیه طرح توسعه پایدار پیوست سروده شده است**

ای قاصدک، ای گل پریشان چمن ،چون پروانه به پروازشدی ، دراین کوی دمن ، شاهد صد راز شدی ، چراگلایل نشدی؟ ، چرا سوسن وسنبل نشدی؟ ، تا روی ماشین عروس ، نصب شوی چون تاج خروس ، یا دسته اورکیده شوی ، در رقص دلارای تازه عروس؟

توکه در هر چمن جاداری ، بهر زنبور عسل، شهد مصفا داری ، در عسل ناب، طرح مداوا داری ،در ترم بهار ، رقص دلارا داری ، چرا این چنین ، هم چو مجنون قصد سفرها داری ! بکجا میروی آخر ، که درآنجا ،خانه و ماواء داری ؟!

ای زارع که تنهایِ دشت ودمنی ، چرا راهی حاشیه شهرها شده ای ، خیره به این انبوه برج ها شده ای ، چرا دراین ترافیک شدید ، راننده یک پراید دود زا شده ای !

این طرح اینک ، طرح وطن است ، حاصل عمر یک هم وطن است ، تادعوی توشنوم ، گوئی جوهر توسعه فردا منم ، برای وطنم ، تا ماشین عشق برانی دراین دشت ودمن، ابر سخاوت گر عاشق ، بریزد اشک شوق به گلهای چمن ، قاصدک پرواز کند ، تا بوسه زند به آن دست تولید گرت ، به آن صورت خندان مشغولِ پسرت ، به آن تازه عروست ، که بگیرد آن گل قاصدک پرواز ، کان میرود که خبر دار کند اهل وعیالت ، کند آسوده خیالت ، که دگر نیستی تنها دراین دشت ودمن .